

## سرق

راجع باینکه آیا پیداکننده لقطه میتواند استه است فکر کند که مالک را ممکن است پیدا کرد همانطوری که سابقاً گفته شد باید مکانی که در آنجا جنس پیدا شده و نوع آنرا در نظر گرفت .

نباید تصور کرد که نمیتوان صاحب اوراق بهادار با اسم - اشیاء متعلق بمسافرینی که در درشکه یا تاکسی میماند و مالک بردن آنها را فراموش میکند پیدا نمود . در خصوص اشیاء گمشده در راه آهن اگر مستخدم راه آهن آنها را بموض تسلیم باطاق مختص اموال گمشده تصاحب کند بگناه سرق قابل تعقیب است .

تشخیص قصد و نیت متهم در مورد لقطه خیلی آسان تر از قصد متهم در مورد اشیائست که اشتهاها بین شاهی خصوصی و مشارالیه ردوبدل شده است و باید با مطالعه در اینکه از نظر حقوقی چه وقت متهم متصرف شیئی که با اشتباه گرفته میشود موضوع را حل نمود - مثلاً وقتی دو نفر در شب گردش مینمایند و یکی از دیگری ده ریال قرض میخواهد و آن شخص بعضی اسکناس ده ریالی اسکناس صدریالی باو میدهد و گیرنده اسکناس نیز بخیال اسکناس ده ریالی آنرا بطور پاکدامنی گرفته ولی بعداً پی میبرد که اسکناس صد ریالی بوده و با آنحضرت آنرا تصاحب مینماید اگر بگوئیم که سوء نیت برای متهم باید موقعیکه اسکناس را گرفته وجود داشته باشد چون مشارالیه در موقع گرفتن اسکناس سوء نیتی نداشته مرتکب جرمی نبوده و بگناه سرق قابل تعقیب نیست ولی اگر معتقد باشیم که نیت متهم را موقعی باید در نظر بگیریم که واقعاً فهمیده است چه چیز باو تحویل شده سرق از ناحیه گیرنده اسکناس صد ریالی انجام شده است .

یکی از دادرسان معروف عقیده دارد که تحویل و قبول شیئی عملی است که روح و فکر باید در آن دخالت نماید و همانطوری که عقل سلیم حکم میکند تحویل و قبول موقعی انجام میشود که دهنده و گیرنده شیئی واقعاً فهمیده باشند چه داده شده و چه گرفته شده است و با قبول این عقیده باشکال دیگری برمیخوریم که آیا بین قصد و حقیقت ناچه اندازه وسعت و رابطه باید قائل شویم .

بعضی دیگر معتقدند که اگر گرفتن اولیه بطور پاکدامنی انجام شده گیرنده آن در صورت تصاحب بگناه سرق قابل تعقیب نبوده و تحویل جنس نیز موقعی محسوب میگردد که عملاً انجام گردیده است .

تشخیص سوء نیت متهم در مورد اشیائی که مبنی بر اشتباه طرفین تحویل شده اشکالاتی در عمل ایجاد مینماید کما اینکه در دو مرافعه مهم که طرفین نه فقط در قیمت بلکه در نوع جنس هم اساساً اختلاف داشتند با وجود آنکه دادرسان معمول رسیدگی سوء نیت متهم را در موقع تحویل عملی مالک تشخیص میدانستند در یک مورد که دادگاه مرکب از چهار نفر بوده هفت نفر و در مورد دیگر چهار نفر از دادرسان در مقابل پنج نفر عقیده بمجرمیت متهم داشته اند .

اگر اشتباه طرفین فقط در قیمت شیئی مورد معامله میباشد شك نیست که تحویل قانونی را باید موقعی بدانیم که عملاً جنس تحویل شده است . یکی از حقوق دانهای معروف میگوید که اگر کسی در قبال قرض کمی که دارد يك نسخه خطی کتاب قدیمی بتصور آنکه بیشتر از قرض ارقیمت ندارد بطلبکار بدهد و مشارالیه هم باین اعتقاد که کتاب بیش از طلبش ارزش ندارد آنرا قبول میکند و بعداً قیمت خیلی گزافی

## مجازات

بموجب قانون عرفی با وجود آنکه در هر مورد سرقه جنایات محسوب میشده بر حسب قیمت مال مسروقه مجازات گناه نامبرده تغییر میکرده است .

اگر قیمت مال مسروقه فقط دوازده پنس یا کمتر ارزش داشت عمل سارق سرقه کوچک تشخیص و مجازات مرتکب اعدام نبوده است ولی در صورتیکه مال مسروقه بیش از دوازده پنس ارزش داشت گناه سارق سرقه بزرگ تشخیص و حتی در زمان ادوارد اول مرتکب شدیداً مجازات میشده است .

نقسم گناه سرقه بزرگ و کوچک در زمان ۱۸۲۷ منسوخ گردیده و بعداً تقسیم بندی دیگری جانشین آن شده است .

بموجب تقسیم بندی بعدی سرقه بزرگ ساده و باقرائن متشده تقسیم گردیده است .

بموجب قانون مصوبه سال ۱۹۱۶ مجازات سرقه ساده از ۵ سال حبس با اعمال شاقه و با از ۲ سال حبس با کار پابدون آن تجاوز نمی نماید .

اگر متهم بزرگ ساده سابقه محکومیت جنسائی داشته باشد ممکن است او را ده سال حبس با اعمال شاقه محکوم نمود .

سرقه با قرائن متشده اقسام مختلف داشته و بر حسب مورد مجازات آن از هفت سال تا حبس دائم با اعمال شاقه تغییر پیدا میکند .

با در نظر گرفتن چهار فقره اوضاع واحوال ذیل سرقه باقرائن متشده تشخیص میگردد :

## ۱- مکان وقوع جرم

سرقه در کشتی - محلی که کشتیها در نزدیک بندر در آنجا تعمیر میشوند - لنگرگاه - کشتی شکسته - بشرط آنکه قیمت مال مسروقه کمتر از پنج پوند نباشد در منزل مسکونی سرقه باقرائن متشده محسوب و حداکثر مجازات سرقه از پنج محل نامبرده چهارده سال حبس با اعمال شاقه تعیین شده است .

ناتمام محمود ولی زاده انصاری

آرامی فرود شد از نظر آنکه تحویل جنس مورد معامله باشناسائی بنوع آن کاملاً بعمل آمده عمل گیرنده کتاب سرقه تشخیص نمیشود . این مورد را نباید با موردی که بموض اسکناس ده ربالی اسکناس صدریالی داده شده اشتباه کرد زیرا نسبت با اسکناس میتوان استدلال کرد که اشتباه دو قیمت آن نبوده و بلکه در نوع جنس تحویل شده اشتباهی رخ داده است .

حالیه در معاملات مربوط بفروش اشیاء اشتباه در طرفه نسبت بنوع جنس مانع انتقال مالکیت بوده و مثلاً تحویل یک عدد میز تحریر شامل تمام محتویات غیر معلوم آن نبوده و اگر در یکی از کسوهای آن میز پولی یافت شود که طرفین از وجود آن بی اطلاع بوده اند تا وقتیکه تحویل گیرنده میز عالم بوجود پول در آن میز نشده نمیتوان گفت آن پول بتحویل مشارالیه درآمده است .

ولی اگر شیئی با دانستن نوع و جنس آن تحویل شده نقل تصرف بعمل آمده و بیشتر از آن نباید دنبال آن رفت که واقعا طرفین در موقع تحویل و رسید جنس چه اطلاعی لازم است در اینخصوص داشته باشند .

در خصوص اشتباهاتی که نسبت برساندن کاغذهای پست از طرف مأمورین پست میشود و گیرنده های کاغذ نیز بصورت آنکه کاغذ متعلق بانهاست آنرا گرفته و تصرف نمایند مکرر دادگاههای انگلستان با این استدلال که گیرنده کاغذ در موقع گرفتن کاغذ سوء نیتی نداشته و برعکس توضیحی که فوقاً راجع بمیز تحریر داده شد تحویل کاغذ شامل تحویل تمام محتویات آنست متهم را بگناه سرقه قبل تعقیب نداشته و در مورد کاغذی که بعنوان فیش نام فرستاده شده و مأمور پست اشتهاً آنرا بشخص دیگر بنام فیش داده بود و مشارالیه هم با حسن نیت آنرا قبول و پس از باز کردن کاغذ محتوی آنرا باسم فیش ظهر نویسی کرده و گرفته بود دادگاه با این استدلال که تحویل قانونی کاغذ و چک در موقعیکه کاغذ فیش رسیده انجام گردیده و در آن موقع هم متهم سوء نیتی نداشته او را از گناه سرقه تبرئه نموده اند .